



• حمید عبداللہیان
• تصویرگر: علیرضا اسدی

محمد

هی می نویسد

و هی می نویسد!

کتاب‌ها را از بین برده که دانش آموزان مجبور نباشند آن‌ها را بخوانند. چه می‌دانم! بالاخره بعضی از این کتاب‌ها یک جوری ناپدید شده‌اند! اما کتاب‌های مهم‌ش این‌ها هستند:

کشکول؛ در قدیم به ظرف کاسه ماندنی گفته می‌شد که همه چیز در آن می‌ریختند. چون محمد همه چیز را، بدون اینکه آن‌ها را هم بزنند، توی کتابش ریخته بود، اسم کتابش را گذاشت کشکول؛ یعنی کتابی که همه چیز تویش پیدا می‌شود. توی این کتاب، شعر و غیر شعر، شوخی و جدی، بامزه و بی‌مزه، و خیلی چیزها پیدا می‌شود؛ بعضی از شعرها و داستان‌های این کتاب را خود محمد نوشته و بعضی‌ها را از کتاب‌های دیگر برداشته است. این کتاب معروف‌ترین کتاب محمد است و یک زمانی کتاب درسی بچه‌ها بوده است.

نان و حلوا؛ این کتاب یکی از کتاب‌های خوش‌مزّه‌ی محمد است که مثل اسمش (نان و حلوا) شیرین است؛ کتابی پر از شوخی و خنده و مطالب آموزنده. این کتاب به شعر نوشته شده است.

شیر و شکر؛ یک کتاب خوردنی دیگر که حدود ۱۵۹ بیت شعر است. نان و پنیر؛ یک صبحانه‌ی دیگر. ببخشید! یک کتاب خوش‌مزّه‌ی دیگر که باز هم به شعر و شبیه مثنوی مولانا است. دانشمند ما اسم خوراکی‌ها را روی کتاب‌هایش گذاشته است تا شکموها فراموششان نکنند.

پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش؛ این یک کتاب مهم دیگر است که محمد به شوخی و جدی در آن از صوفی‌های زمان خودش انتقاد کرده است.

چون می‌دانیم شما به کتاب خواندن و کتاب خوردن خیلی علاقه دارید، کتاب‌های مهم دیگر محمد را می‌گوییم تا زود آن‌ها را پیدا کنید و بخوانید. فقط زیاده‌روی نکنید!

چهل حدیث، زبده در علم اصول، جامع عباسی، کلید رستگاری، صمدیه، ریسمان محکم، باغ هلالی و...

ناگهان غوغایی عجیب در دل محمد به پا شد. اولین کاغذ سفیدی را که دم دستش بود برداشت و تند و تند شروع به نوشتن کرد. خانم محمد با تعجب به همسر جان نگاه می‌کرد. فکر کرد دارد برای او نامه‌ی محبت‌آمیز می‌نویسد. محمد بر گه‌ی کاغذ را تا انتها نوشت. یک بر گه‌ی دیگر برداشت. خانم محمد بر گه‌ی اوّل را خواند. فهمید اشتباه فکر می‌کرده است. بر گه‌ی دوّم را هم خواند. خیلی زود متوجه شد که محمد دارد کتاب می‌نویسد. محمد حدود صد تا کتاب نوشت. کتاب‌هایش در مورد همه‌ی چیزهایی بودند که به عقل بشر می‌رسیدند. از تفسیر قرآن و حدیث و رساله‌ی احکام و آموزش زبان عربی تاریخی و پزشکی و ادبیات و شعر و لطیفه و خلاصه هر چیز که دلتان بخواهد.

کلاً محمد از آن آدم‌های خوش‌بختی بود که همه‌ی درس‌هایشان خوب است. هم عربی‌اش عالی بود، هم ریاضی، هم علوم و هم املا و انشا. بعضی از دانشمندان گفته‌اند که محمد در طول عمرش ۹۵ جلد کتاب نوشته است. بعضی‌ها گفته‌اند نه خیر! محمد ۱۲۵ جلد کتاب نوشته است. باز بعضی‌ها هم گفته‌اند نه خیر! محمد ۱۲۶ جلد کتاب نوشته است. ما می‌گوییم خیلی هم مهم نیست. حالا هر چند جلد بوده، بوده. اصلاً محمد خیلی کتاب نوشته! علت اینکه دانشمندان این قدر گیج و ویج شده‌اند این است که بعضی از کتاب‌هایش به شکل نامه یا یک جزوه‌ی کوچک چند صفحه‌ای است. بعضی کتاب‌ها دو اسم دارند و بعضی‌شان انگار قسمتی از یک کتاب دیگرند. برای همین، اگر ما هم بودیم، گیج می‌شدیم و نمی‌دانستیم بالاخره او چند کتاب دارد.

از بین کتاب‌های محمد بعضی‌شان از بین رفته‌اند. حالا یا شاید کسی از این کتاب‌ها خوشش نیامده و دوست داشته که آن‌ها را یک جوری گم و گور کند یا اینکه کسی دلش برای دانش آموزان سوخته و بعضی

